

درک و تجربه دینداری در نسل زد؛ مطالعه‌ای کیفی در شهر یزد

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2025.65587.1844

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴

احمد کلاته ساداتی^{۱*}
زینب صبوچی گلکار^۲
نگار سیاوشی^۳

چکیده

درک و تجربه دینی، از مهمترین موضوعات در زیست روزمره ایرانی بخصوص نسل جدید است. هدف تحقیق حاضر کشف و واکاوی درک و تجربه دینی در میان دانشجویان نسل زد در رشته‌های علوم انسانی است. بر این اساس و با معیار اشباع داده‌ها ۲۱ دانشجوی وارد مطالعه شده و داده‌های مصاحبه‌ها به روش تحلیل مضمون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مشارکت‌کنندگان در پی نوعی بازاندیشی از دین و مفاهیم آن، ناظر به درک و تجربه دینی در سطح فردی و اجتماعی هستند. این بازاندیشی از سطوح شناختی و ادراکی گرفته تا سطوح عملی و کاربردی تجربه دینی را شامل می‌شود. پنج مضمون برساخت‌شده عبارتند از شناخت عادتواره، فردیت گزینشگر، دوری‌های دین‌گريزانه، و بازاندیشی معنویت‌گرا. مطابق نتایج می‌توان گفت که نوعی بازاندیشی گاه‌آحاد و تند در میان بعضی مشارکت‌کنندگان وجود دارد. نگاه کلی آن‌ها به دین، بر اساس قضاوت در مورد کیفیت حضور دین در جامعه است که تا حدود زیادی بار انتقادی جدی دارد. با وجود این، اگر چه مشارکت‌کنندگان به شکلی بازاندیشانه با دین مواجه دارند، اما هنوز مرزهای اعتقادی در این زمینه محکم و پابرجاست. در واقع، بیشترین محور محاجه دینی، تأکید بر فردیت و گریز از دین عادتواره‌ای است. در واقع، عاملیت، ضمن داشتن اعتقاد دینی (بخصوص در اصول)، اما در مرز بین دین، عادتواره‌گی، و معنویت سرگردان است. در پایان، پیشنهاد می‌شود که مطالعات بیشتری در این زمینه انجام شود تا مفاهیم مربوط به درک و تجربه دینی نسل جدید به طور کامل‌تر و دقیق‌تر تبیین شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به درک بهتر پویایی‌های دینی در جامعه معاصر ایران کمک کنند و راهکارهایی برای پاسخگویی به چالش‌های پیش‌روی دین و نسل جوان ارائه دهند.

واژگان کلیدی: دینداری، معنویت، عادتواره دینی، دنیوی‌شدن، فردیت

مقدمه و بیان مساله

در دنیای مدرن و پسا مدرن، دینداری و تجربه متناظر با آن به یک موضوع و مسئله اجتماعی تبدیل شده است. این مسئله بیشتر از همه در جوامع سنتی یا در حال گذار، خود را نشان می‌دهد. جوامع در حال گذار در برزخ نامتعیین از ادراک و تجربه دینی قرار گرفته‌اند که شاهد نوعی گسل و گاهاً انقطاع نسلی در این زمینه هستیم. بدین معنا که نسل‌های جدید، به ندرت پذیرشی مبتنی بر رویکرد نسل قبل از خود (والدین) را در پیش گرفته، و بلکه عموماً مبتنی بر تفسیر فردی و یا بازنمایی تجربه دینی در فضای رسانه‌ای و اجتماعی را به عنوان معیار و قضاوتی در پذیرش دین یا وجوهی از آن عمل می‌کنند. از این منظر توجه به موضوع دین و تغییرات اجتماعی در کشور ما که جامعه‌ای با زمینه‌های دینی در طول تاریخ بوده است، اهمیت پیدا می‌کند.

در رقابت بین سکولار شدن و دینداری، با وجود قدرت بالای سکولارشدگی به علت برخورداری از کالاهای متنوع و جدید در مقایسه با کالاهای دینی، دین اما به حیات خود ادامه داده است. دین و تجلیات آن مانند دینداری، در عرصه اجتماعی زنده و پویاست و علاوه بر تغییرات عصری مسیر خود را ادامه می‌دهد؛ اما نکته حائز اهمیت آن است که امکان اینکه جامعه در کلیت خود، حداقل در کوتاه مدت یا میان مدت، از سمت دینداری و دین‌ورزی به سمت بی‌دینی و دین ستیزی برود وجود ندارد؛ چراکه پدیده‌های اجتماعی با این عمق به لحاظ تمکین و توسعه زمانبر و به اصطلاح جامعه‌شناسی تاریخی، جزو تغییرات دراز مدت محسوب می‌شود (میرسندسی ۱۳۸۹: ۱۳۸). عمده تغییرات در درون یک دین و یک سنت دینی با اقبال به یک جنبه، تفسیر و جهت‌گیری خاص یا رویگردانی از جنبه‌های دیگر و برداشت‌های خاص صورت می‌گیرد و این مساله باعث پیدایش و تکوین صورت‌های مختلف دینداری در جامعه می‌شود (شجاعی‌زند و حسن‌پور ۱۳۹۳: ۱۸). صورت‌های مختلف دینداری که در دیدگاه نسل جوان نسبت به نسل گذشته تغییرات داشته است به ویژه در نسل زد که داری ویژگی‌های مختص به خود می‌باشند.

فرایند جهانی‌شدن از طریق فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، دگرگونی‌های عمیقی را در زندگی بشر به وجود آورده است. امروزه کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که از پیامدهای این فرایندها بی‌نصیب مانده باشد. تحولات ایجاد شده نه تنها زندگی مادی بلکه ابعاد غیرمادی را تحت تأثیر خود قرار داده است (عدلی‌پور و همکاران ۱۳۹۲). در پی تمامی این تحولات، با نگاهی ژرف به جامعه‌مان متوجه می‌شویم مدرنیته [و در پی آن جهانی‌شدن] سامان اجتماعی مبتنی بر اخلاق منبعث از آموزه‌ها و مناسک دینی جامعه‌مان را برهم زده است و توسعه عقلانیت، پایه‌های قطعیت را به شدت سست کرده و به تفاوت‌های فردی و سبک‌های زندگی میدان داده است. این توسعه عدم قطعیت و فردگرایی در جهان مدرن با تمایل ادیان به حقایق دینی قطعی و همچنین

یکسانی سبک زندگی در تعارض قرار گرفته و تغییراتی در ذهن و ضمیر افراد و نیز مختصات نهادهای دنیای جدید به وجود آورده است (شجاعی زند ۱۳۸۲: ۹).

نسل زد به متولدین دهه هفتاد و هشتاد در ایران گفته می‌شود (پالندی و همکاران ۱۴۰۰: ۲). و به صورت ویژه‌تر به متولدین اواسط ۱۹۹۰ میلادی به بعد اطلاق می‌شود. این نسل را به این دلیل که زندگی بدون فناوری و دیجیتال را تجربه نکرده‌اند، نسل بومیان دیجیتال می‌نامند. از این رو نسل زد، به صورت منحصر به فردی دارای تنوع است. این نسل، بیش از پیش در محیط شهری رشد یافته و در مقایسه با نسل‌های گذشته، در معرض فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های متنوع‌تری قرار دارد. لذا، این تأثیرات و ویژگی‌های منحصر به فرد و نسل‌های بعدی نباید مورد چشم‌پوشی قرار گیرد (به نقل از پارساکیا و همکاران ۱۴۲: ۱۷۵). در این جامعه که نسل جوان با توجه به ویژگی‌های خود در جستجوی کسب جایگاه و هویت جدیدی است، خود به خود با ذهنیت رویکردهای نسل‌های پیشین و بزرگسالان به چالش برمی‌خیزد (رحیمی و همکاران ۱۳۹۵: ۱۰۱). به طوری که ارائه دیدگاه‌های متناقض و متعارض در زمینه دینداری موجب شده است تا در این دیالکتیک و تزاخم رویکردها، دینداری جوانان به امری مسئله مند تبدیل شود (حسن پور و معمار دین ۱۳۹۴: ۱۰۱).

به طور کلی می‌توان گفت که جامعه ایران با تغییرات گسترده‌ای در سطوح مختلف مواجه شده است. یکی از حوزه‌های تغییر دین بخصوص در نسل جدید است. از این جهت ورود به موضوع و کشف درک و تجربه دینداری در نسل زد ضروری است. لذا هدف پژوهش حاضر کشف و واکاوی تجربه دینداری در میان دانشجویان نسل زد می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مرور پیشینه مسئله‌مندی دینداری جوانان مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی شده است. پرور و موحد (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر (مضمون دینداری دانشجویان شیعه در دانشگاه شیراز)» انجام دادند. جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل متن‌های مصاحبه شفاهی و کتبی نشان‌دهنده مفهوم «برساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر» در نگاه دانشجویان است. تصدی‌کاری و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «الگوهای تحول دینداری در بین جوانان در شهر رشت» انجام دادند که نتایج نشان‌دهنده‌ی تحولاتی مبتنی بر این است که اکثریت مصاحبه‌شوندگان، از فرهنگ دینی و از دین‌داری خانوادگی خاستگاه اصلی به نحو قابل توجهی دور شده‌اند و الگوی مسلط دین‌داری در میان جوانان تحت بررسی، دین‌داری از نوع عاطفی است. مبارک و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «مطالعه کیفی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده به فرزندان دهه ۶۰-۸۰» انجام دادند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در نسل‌های دهه ۶۰-۸۰، فرهنگ

دینی که در قالب اعتقادات، باورها، مناسک و عواطف مورد بررسی قرار گرفته است، به امری فردی، شخصی، کمتر الزامی، آزادانه و مبتنی بر تعقل و خردورزی تبدیل شده است؛ همچنین انتقال فرهنگ دینی تاثیرپذیری کمتری از نهادهای رسمی دینی و اجباری دارد. در بعد اعتقادی انتقال فرهنگ دینی، خانواده‌ها موفقیت نسبی داشته و توانسته‌اند فرهنگ دینی را نهادینه سازند. همچنین در بعد پیامدی، هنوز دین به مثابه یک امر دینی، نقش بازدارنده‌ای در پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی دارد. مرادی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر سرپل‌ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن» انجام داده‌اند که نشان داد میزان دینداری بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد میانگین بود و بین ابعاد دینداری، بعد اعتقادی بیشترین میانگین و بعد عملی کمترین میانگین را داشت. امینی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «پدیده نوگروری دینی: تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه تهران» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از بروز عارضه‌ی تغییر در حیات دینی دانشجویان است. روایت‌های دانشجویان از زندگی دینی خویش نشان می‌دهد که تحت تأثیر تغییراتی فردی و محیطی قرار گرفته‌اند و در نهایت دینداری خود را مورد بازاندیشی قرار داده‌اند. ناصری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان» انجام دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که جوانان مشارکت‌کننده در بعد اعتقادات پایه‌ای دارای اعتقادات مورد تأیید و سفارش دین هستند، اما در سایر ابعاد، در خصوص بعد مناسکی پاسخگویان به بازمعنایی در این حوزه پرداخته و بر اساس درک و فهم خود حتی در صورت مغایرت با دین روش‌هایی را اتخاذ نموده‌اند. امیری و اصغرپور ماسوله (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «ظهور دین‌داری گزینشی در میان دختران جوان شهر مشهد: ارایه یک نظریه زمینه‌ای» انجام دادند. یافته‌های به‌دست‌آمده شامل پنج مقوله اصلی است که عبارت‌اند از: مدارا، سلیقه فردی، کارآمدی بیشتر مادی، دوگانگی هویتی و سنت‌ستیزی. مقوله هسته‌ای نیز در این مقاله «دین‌داری گزینشی» است که دربرگیرنده مقولات فوق می‌باشد. حسن‌پور و معمار (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)» انجام دادند. نتایج یافته‌های کیفی بیانگر آن است که می‌توان با تأکید بر معیار «خودتشخیصی» فرد دیندار به نوعی خاصی از دینداری تحت عنوان دینداری «خودمرجع» اشاره کرد. همچنین نتایج گویای آن است که دینداری جوانان در این سنخ، بدل به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی، مبتنی بر تعقل، خردفردی و همراه با بپذیرفتن دگرسالاری‌های نهادهای دینی شده است و به سمت اقتضائی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند. عالم‌زاده و رستگاری (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «دین‌داری جوانان، ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران)» انجام دادند و در آن اشاره کرده‌اند که ابعاد جدیدی از رفتارها و ذهنیات دینی جوانان آشکار شده که تاکنون از نگاه رویکردهای کلاسیک جامعه‌شناختی و نیز رویکردهای دینی مغفول مانده‌اند.

در مطالعات خارجی، چن و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «طنین یا بیگانگی: یک مطالعه تجربی در مورد عوامل موثر بر انتخاب‌های اعتقاد مذهبی در میان نسل زد چین» انجام دادند که نتایج نشان می‌دهد که دینداری نسل زد در چین بیشتر از سطح کل باورهای مذهبی در چین است و انتخاب‌های دینی این نسل تحت تأثیر عوامل عقلانی و پاداش‌های واقعی است. برخلاف آنچه که ممکن است تصور شود، این نسل عمدتاً به دلیل پاداش‌های ماورایی و آخرت‌نگری به مذهب نمی‌پردازد، بلکه انگیزه‌های آن‌ها بیشتر از منافع واقعی و ملموس انتخاب‌های دینی و عواملی مانند جامعه‌پذیری دینی ناشی می‌شود. پولک و اسزرومک (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «نگرش مذهبی و اخلاقی کاتولیک‌ها از نسل زد» انجام دادند. یافته‌ها ثابت می‌کند که اگرچه جامعه لهستان، از جمله جامعه نسل زد، با درصد بالایی از مردم درگیر اعمال مذهبی از کشورهای اروپایی متمایز است، اما روندهای مشاهده شده و غلبه نگرش‌های مغایر با آموزه‌های کلیسای کاتولیک امکان حفظ روند کاهشی تعداد کاتولیک‌ها در لهستان را نشان می‌دهد. کوندرا و جرکوا (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های دینداری جوانان در اسلواکی امروز» انجام دادند و تئوری اینکه تعارضی بین تعالیم اعتراف‌نامه‌های رسمی و نهادهای مذهبی که بیشتر جوانان اسلواکی ادعا می‌کنند به آن تعلق دارند، با ویژگی‌های واقعیت دینی و باورهای آنان وجود دارد، را تایید می‌کند. فنسوری (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «نسل زد و جستجوی دینی دانش در رسانه‌های اجتماعی» انجام دادند. این مطالعه دو نمونه مصرف دانش مذهبی نسل زد را نشان می‌دهد: یکی از طریق روحانیون با پس‌زمینه‌های مختلف و دیگری از طریق رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر هم‌پیوستگی‌های مذهبی و سازمانی. در نهایت این مقاله نشان دهنده شیوه‌های نوین و تاثیرگذار نسل زد در جستجوی دانش دینی است. هرمینا (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «چگونه جوانان در سراسر جهان از جنسیت و دینداری استقبال می‌کنند» مطالعه‌ای مروری به عمق دینداری جوانان پرداخته و از مفهوم گیدنز از بازاندیشی در افراد مدرن و کاهش تاثیر اعمال مذهبی سنتی استفاده می‌کند. این تحقیق نشان‌دهنده ظهور روندهای معنوی جدید در سطح جهان است، که نه تنها در گروه‌های بی‌خدا، بلکه در میان پیروان ادیان جهانی نیز رایج است. همان‌طور که تحقیقات نشان می‌دهد، ورود به موضوع دینداری در نسل زد، اهمیت یافته است. در این زمینه، مطالعات در فضای ایران محدود است و از این جهت ورود به موضوع یک ضرورت پژوهشی می‌باشد.

حساسیت نظری

نظریه‌ها در روش کیفی به‌عنوان پشتوانه نظری داده‌ها عمل نمی‌کنند، بلکه حساسیت نظری ایجاد می‌کنند. پژوهش کیفی حاضر به دنبال واکاوی دینداری نسل زد است و نظریات مرتبط با

دینداری را مرور اجمالی می‌کند و تفسیر مشارکت‌کنندگان مبنای واقعیت اجتماعی قرار می‌گیرد. هدف از ذکر این نظریات، استفاده از مفاهیم موجود برای روشن‌تر شدن مسیر پژوهشگران است. به دلیل وجود نظریات متعدد، نظریات هاروی وایت‌هاوس، چارلز تیلور، گسکیز، کلیفورد گیرتز، دارن ای شرکات و یورگ استولز در این مطالعه ارائه خواهند شد.

نظریه هاروی وایت‌هاوس به بررسی نحوه ایجاد، انتقال و تغییر ادیان می‌پردازد و ادیان را به‌عنوان پیکربندی اطلاعات فرهنگی در زمان و فضا معرفی می‌کند. او دو «شیوه دینداری» متفاوت را مشخص می‌کند: «تخیلی»^۱ و «اعتقادی»^۲. در حالت تخیلی، آیین‌ها تأثیر عمیقی بر ذهن مردم می‌گذارند و خاطرات و نشخوارهای فکری مذهبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ویژگی‌ها باعث شکل‌گیری گروه‌های کوچک و ناهمگون مذهبی می‌شود. در مقابل، در شیوه اعتقادی، معرفت دینی از طریق آموزش مکرر و فشرده گسترش می‌یابد، که به جوامع بزرگ‌تر، فراگیرتر و تحت نظارت مرکزی منجر می‌شود. وایت‌هاوس بر اهمیت توضیح چرایی وجود این گرایش‌ها تأکید دارد و از محققان در حوزه‌های مختلف دعوت می‌کند تا در ساخت، تأیید یا اصلاح نظریه‌های مربوط به دینداری همکاری کنند. این رویکرد به بررسی پیچیدگی‌های دین و نقش آن در جوامع انسانی کمک می‌کند (وایت‌هاوس، ۲۰۰۴).

چارلز تیلور (۱۳۸۹) دربارهٔ وضعیت دینداری در دنیای معاصر معتقد است: دینداری در این ساحت روزبه‌روز، شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسامنش‌تر شده است و بیشتر به تصمیم‌گیری‌های شخصی افراد بستگی دارد که آن‌ها را بدین سو و آن سو می‌کشد. حیات عمومی نیز هر روز دنیوی‌اندیش و در مقابل مواضع دینی گوناگون خنثی‌تر می‌شود. وی معتقد است که طیف التزام‌های دینی هرچه وسیع‌تر و متنوع‌تر می‌شود و در نتیجه معنویت از ادیان، مذاهب، فرق، نحله‌ها و جماعت‌های نهادینه و تاریخی دورتر و جداتر می‌شود. به باور تیلور در بین کسانی هم که کماکان در محدودهٔ ادیان تاریخی مانده‌اند، گزینشگری زیاد می‌شود و همچنین بسیاری به تلفیق ادیان و مذاهب مختلف دست می‌زنند. همچنین دینداری‌های شخصی انسان امروز، غالباً به سوی اموری که به آدمی احساس رضایت بدهد، فرومی‌غلند. این نوع معنویت آسان و بی‌دردسر و همراه با نوعی تن‌پروری و لذت‌طلبی است که در روزگاران پیشین وجود نداشت. به‌طور کلی گرایش به تکثیر شقوق معنوی تا حدی سطحی و تکثیر شیوه‌های جدید دین‌ورزی، از لوازم صورت‌های کنونی دینداری است (حسن‌پور و معمار ۱۳۹۴: ۱۱۵).

یکی دیگر از نظریه‌های مطرح در دو دهه اخیر و در ادامه رویکرد عقلانی به بازار دینی، رویکرد عرضه دین است. در مقابل دیدگاه دنیوی شدن که بر تقاضا تأکید داشت، رویکرد عرضه

1. Imagistic
2. Doctrinal

بر رقابت بین کالاهای دینی و کالاهای سکولار در فضای عمومی تمرکز دارد. گسکینز و همکاران (۲۰۱۳) بر این نظرند که تقاضا و عرضه در تبیین دین بایستی توجه شود. در رویکرد مبتنی بر عرضه/تقاضا، مزایای مذهبی و سکولار در بازار، اغلب جایگزین یکدیگر می‌شوند. بدین معنی که میل به تأمین کالاهای دینی در مقایسه با کسب کالاهای سکولار کاهش می‌یابد. با افزایش توانایی در دسترسی به کالاهای سکولار، همان‌گونه که نظریه سکولاریزاسیون پیش‌بینی می‌کند، حضور دینی در جوامع دچار کاهش خواهد شد. با وجود این، مطالعات تجربی منتقد نظریه سکولاریزاسیون به طور معمول دین را در چارچوب کشورهای ثروتمند بررسی کرده است. گسکینز و همکاران بر این تأکید دارند که در رقابت با نظریه سکولاریزاسیون جوامع و ناظر به موضوع عرضه/تقاضا در رابطه با حضور دینی، اقبال از کالاهای سکولار در جوامع توسعه یافته از کالاهای دینی، پیش افتاده است. با وجود این، ناظر به اعتقاد دینی، نمی‌توان چنین استدلالی را پذیرفت. بدین معنا که با توسعه جوامع، حضور دینی اگر چه کاهش می‌یابد، اما اعتقاد دینی همچنان بالاست. این نظریه توسط دیما و گلدر و با ارزیابی پیمایش‌های ارزش‌های جهانی و اروپایی (۱۹۸۱-۲۰۱۴) تأیید شد. محققان دریافتند که توسعه جوامع کاهش حضور مذهبی را به همراه دارد، اما اعتقاد دینی بالاست. نکته جالب توجه اینکه سطح تحصیلات و بهداشت از عوامل موثر بر کاهش حضور دینی در این مطالعه بوده است (دیما و گلدر، ۲۰۲۱).

از نظر کلیفورد گیرتز، دین نظامی از نمادها می‌باشد که هر کدام معنی مشخصی دارند. این نمادها برای آن دسته از افرادی که با معانی آن‌ها آشنایی کافی را دارند، بسیار عمیق و مفهومی به شمار می‌روند. این نمادها و معانی با دسته خاصی از باورها مرتبط هستند و با وجود اینکه ذهنی‌اند اما شخصی نیستند و به همین دلیل که جنبه اجتماعی دارند، می‌توان آن‌ها را مستقل از ذهن افراد، درک و تفسیر کرد. از نظر گیرتز روحیات افراد مؤمن و نگاه آن‌ها به جهان با یکدیگر مطابقت دارد و هم را تقویت می‌کنند. به عبارتی آن‌چه مردم قصد دارند انجام دهند و احساس می‌کنند که باید انجام دهند با دیدگاه آنان نسبت به جهان در ارتباط است (گلدمن، ۲۰۱۸). نظریه بعدی دارن ای شرکات مطرح کرده است. رویکردهای علمی اجتماعی به دین از گذشته بر تقاضا و نیاز تأکید می‌کنند و مدعی هستند که مردم به دلایل مختلفی مثل: محرومیت‌های اجتماعی، روان رنجوری، جهالت، ترس و ... به دین روی می‌آورند اما رویکرد اقتصادی در دین‌پژوهی بر خلاف رویکردهای منفی‌نگر به دین، دیدگاهی میانه درباره تقاضا دارد و بر این اساس است که رفتار دینی می‌تواند به اندازه سایر فعالیت‌های انسانی معقول و منطقی باشد. تأکید رویکرد اقتصادی بر این دیدگاه بنیادین است که بیشتر تغییراتی که در تقاضا برای دین صورت می‌گیرد نتیجه تغییرات در تأثیرات، کارایی و تنوع عرضه‌کنندگان دینی است. (دارن ای شرکات، ۲۰۱۵) در نهایت نظریه محرومیت یورگ استولز مطرح می‌شود که نظریه محرومیت یکی از متداول‌ترین نظریات برای تبیین سطوح مختلف دینداری است. در تبیین دینداری مبتنی

بر محدودیت، افراد در زندگی اجتماعی خودشان در معرض انواع محرومیت‌ها قرار می‌گیرند و دسته‌ای از این محرومیت‌ها را مشکل در نظر می‌گیرند. در نتیجه، به دنبال حل مشکلات می‌روند تا زودتر رهایی یابند و در این راه به دنبال ابزاری جهت کمک هستند. دین، شرایط واقعی محرومیت را تغییر نمی‌دهد اما شرایط را قابل تحمل می‌کند. دین بر احساس محرومیت اثر می‌گذارد نه خود محرومیت و به همین علت، افرادی که احساس محرومیت بیشتری می‌کنند بیشتر به دین پناه می‌برند. (استولز، ۲۰۰۹)

به‌طور کلی با نگاهی به نظریات، یک روند کلی و سریع از تغییرات در سطح دینداری در جوامع را می‌توان ملاحظه کرد. تغییری که نیازمند مفهوم‌سازی جدید است. همچنین تغییراتی که ناظر به تغییرات بین نسلی باشد و لذا، از این جهت ضرورت نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی ناظر به بسترهای جوامع مختلف وجود دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش، یک مطالعه کیفی است که در سال ۱۴۰۳ در شهر یزد انجام شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش دانشجویان دهه هشتادی و عموماً از پردیس علوم انسانی بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. نمونه‌گیری هدفمند بدین معناست که اعضا از روی هدف جهت بازنمایی یک معیار کلیدی خاص انتخاب می‌شوند که در اینجا معیار کلیدی دینداری در میان دانشجویان دهه هشتادی، مورد بررسی قرار گرفته است. برای جمع‌آوری داده با تعداد ۲۱ دانشجو مصاحبه انجام گرفت اشباع داده در مصاحبه ۱۹ نمایان شد ولی برای اطمینان بیشتر با ۲ نفر دیگر مصاحبه شکل گرفت (ویژگی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آورده شده است).

جدول ۱. ویژگی مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره مشارکت‌کننده	نام مستعار	سن	رشته تحصیلی
۱	مهدی	۲۱	جامعه‌شناسی
۲	زهرا	۲۱	جامعه‌شناسی
۳	مریم	۱۹	حسابداری
۴	عسل	۲۰	مدیریت صنعتی
۵	ایمان	۲۳	علم اطلاعات و دانش‌شناسی
۶	مهری	۲۰	جامعه‌شناسی
۷	غزل	۲۰	جامعه‌شناسی
۸	علی	۱۸	معارف اسلامی
۹	پیمان	۲۰	علم اطلاعات و دانش‌شناسی

ادامه جدول ۱

شماره مشارکت کننده	نام مستعار	سن	رشته تحصیلی
۱۰	فاطمه	۲۳	برنامه ریزی اجتماعی و تعاون
۱۱	مجیا	۲۲	برنامه ریزی اجتماعی و تعاون
۱۲	میثم	۲۳	برنامه ریزی اجتماعی و تعاون
۱۳	سحر	۲۱	مددکاری اجتماعی
۱۴	هما	۲۱	جامعه شناسی
۱۵	بهار	۲۰	مکانیک
۱۶	مهرداد	۲۰	مردم شناسی
۱۷	نگین	۲۲	مدیریت صنعتی
۱۸	اسما	۲۱	جامعه شناسی
۱۹	حامد	۲۰	مردم شناسی
۲۰	مهرانه	۲۱	جامعه شناسی
۲۱	نگار	۱۹	مردم شناسی

جمع‌آوری داده به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته بوده است. مصاحبه‌ها با یک سوال اساسی شروع می‌شد که راجع به وضعیت دینداری خود برای ما توضیح دهید. سپس با سوالات تکمیلی و به طور خاص لطفاً نظر خود نسبت به مفاهیم اسلامی مثل خداوند، معاد، نبوت و ... توضیح دهید، مصاحبه ادامه می‌یافت. در نهایت اینکه از آن‌ها پرسیده می‌شد راجع به وضعیت دینداری در جامعه نیز نظر توضیح دهند.

داده‌ها روی کاغذ آورده شد و مورد تجزیه و تحلیل به روش تحلیل مضمونی قرار می‌گرفت. تحلیل مضمونی روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌هاست. در این رویکرد محقق با استفاده از طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای الگوی نهفته در داده‌ها دست می‌یابد. تحلیل تماتیک کدگذاری و تحلیل داده‌هاست با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند (توکت، ۲۰۰۵) تم بیانگر هر چیز مهمی درباره‌ی داده‌ها در ارتباط با سوالات تحقیق است که سطحی از پاسخ یا معنی الگومند در مجموعه‌ای از داده‌ها را ارائه می‌دهد. (کلارک و براون ۲۰۱۳) تم، الگوی یافت شده در داده‌هاست که حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتریس، ۱۹۹۸) مدل‌های مختلفی از تحلیل مضمون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود دارد که در این پژوهش ترکیبی از روش پیشنهادی آترایدا- استیرلینگ (۲۰۰۱)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و کینگ و هاروکس (۲۰۱۰) فرایند گام به گام و جامعی به منظور تحلیل مضمون ارائه می‌شود. در این پژوهش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود. فرایند کامل تحلیل

مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم کرد: الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن و ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. در حالی که همه‌ی این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است، در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید (آتراید- استرلینگ ۲۰۰۱). گام‌های شش‌گانه تحقیق حاضر به صورت زیر انجام شده است.

گام اول: آشنایی با داده‌ها؛ محقق باید چندین بار متن‌های رونویسی شده از مصاحبه‌ها را مطالعه کند تا با عمق محتوای آنها آشنا شود و به درک دقیقی دست یابد.

گام دوم: ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری؛ پس از آشنایی با داده‌ها، محقق ایده‌ها و نکات جالب را فهرست می‌کند و داده‌ها را با استفاده از کدها به بخش‌های قابل فهم تقسیم می‌کند.

گام سوم: جستجو و شناخت مضامین؛ این مرحله وقتی آغاز می‌شود که همه داده‌ها کدگذاری شده‌اند و محقق به تحلیل مضامین کلی مبتنی بر کدها می‌پردازد.

گام چهارم: ترسیم شبکه مضامین؛ محقق مضامین شناسایی شده را در شکل شبکه‌ای ترکیب و تفکیک می‌کند تا همپوشانی‌ها و تفکیک‌های لازم را مشخص سازد.

گام پنجم: تحلیل شبکه مضامین؛ مضامین به دست آمده نام‌گذاری و تعریف شده و برای تحلیل نهایی آماده می‌شوند.

گام ششم: تدوین گزارش؛ در آخر، محقق گزارش نهایی تحقیق را با تحلیل کامل مضامین آماده می‌کند. این مراحل به محقق کمک می‌کند تا داده‌ها را به شکل معناداری تحلیل کند و نتایج قابل استفاده‌ای به دست آورد. (عابدی و همکاران ۱۳۹۰).

معیارهای اعتبار تحقیقات کیفی و نیز ملاحظات اخلاقی تحقیق مورد توجه پژوهشگران قرار داشت. از جمله؛

۱- توصیف غنی و تفصیلی: در جمع‌آوری داده‌ها، تلاش شده است تا با ارائه توصیفات جامع و عمیق از تجربیات دینداری دانشجویان، زمینه را برای درک دقیق‌تر و بازنمایی واقعی‌تر این پدیده فراهم کنیم.

۲- بررسی همتایان: یافته‌ها و تحلیل‌ها به‌طور منظم با همکاران دانشگاهی و متخصصان حوزه مطالعات دینی به بحث گذاشته شده است. این فرآیند به شناسایی زوایا و الگوهای مخفی در دینداری دانشجویان و اصلاح تفسیرهای اولیه کمک نموده است.

۳- بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان: یافته‌های اولیه و تحلیل‌های انجام شده با شرکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا نظرات و بازخوردهای آن‌ها کسب گردد. این فرآیند به تأیید اعتبار

یافته‌ها از منظر شرکت‌کنندگان، اصلاح هرگونه خطا و اطمینان از تجسم صحیح تجربیات آن‌ها یاری رساند.

۴- حساسیت پژوهشگران: با توجه به اینکه کیفیت تحقیق کیفی به طور قابل توجهی به توانایی‌ها و ویژگی‌های پژوهشگر کیفی وابسته است، پژوهشگران کوشیده‌اند با حساسیت، انعطاف‌پذیری، خلاقیت و مهارت، پژوهش را به انجام رسانند. این رویکرد به درک عمیق‌تر و تفسیر دقیق‌تر داده‌ها منجر شده است.

در انجام این پژوهش، رعایت ملاحظات اخلاقی به عنوان یک اصل اساسی مدنظر قرار گرفت. همه شرکت‌کنندگان قبل از آغاز فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، با اهداف پژوهش و نحوه استفاده از اطلاعات آشنا شدند و رضایت آگاهانه خود را ارائه کردند. همچنین، به حفظ حریم شخصی و اطلاعات حساس آن‌ها احترام گذاشته شد، به طوری که هویت شرکت‌کنندگان در گزارش نهایی محفوظ ماند. علاوه بر این، تمامی تلاش‌ها صورت گرفت تا افراد در طول تحقیق به گونه‌ای احساس راحتی کنند که بتوانند تجربیات و نظرات خود را به طور صادقانه ابراز نمایند. این موارد به اطمینان از اخلاق‌مداری پژوهش و حفظ حقوق و کرامت انسانی شرکت‌کنندگان کمک کرد.

یافته‌های پژوهش

بیشتر مشارکت‌کنندگان بر این نظر بودند که با مفاهیم دین اسلام، به صورت اصولی آشنا نیستند و در این زمینه نیازمند دانش و شناخت هستند. همچنین در جامعه نوعی دین بدون شناخت را شاهد هستند که کمکی به دین نمی‌کند. از سوی دیگر، دین را یک امر فردی تلقی می‌کردند تا اجتماعی و در همین زمینه نیز معیارهای قضاوت در مورد دین را عقلانیت این جهانی و دنیوی می‌دانستند که ناظر به تجربه فردی و اجتماعی است نه مفاهیم متافیزیکی. لذا، در مواجهه با مفاهیم متافیزیکی دین، از گزاره‌های تجربی و ناظر به امور دنیوی و این جهانی (ذیل مفهوم عقلانیت) استفاده می‌کردند. این امور نوعی بازاندیشی در دین را در این نسل نسبت به والدین به وجود آورده است. بازاندیشی که دین را یک امر فردی، بیشتر اعتقادی تا حضوری، و ناظر به امور دنیوی تعریف می‌کند. در نهایت این که با توجه به کاهش غنای دینداری برای حل مسائل در نهایت ۴ مضمون اصلی شامل شناخت عادت‌واره‌ای، فردیت‌گزینشگر، داوری‌های دین‌گریزانه، بازاندیشی معنویت‌گرا احصا شد. جدول زیر خلاصه‌ای از مفاهیم و زیر مضمون‌های تشکیل دهنده آمده است.

جدول ۲. مضامین بر ساخت شده از تجربه دینداری در میان نسل زد

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
شناخت عادت‌واره‌ای	شناخت ضعیف شناخت غیر اصولی	آشنا نبودن کامل به دین اسلام، تضعیف تبلیغ دین، عدم اعتماد به مبلغین، جستجو و مطالعه نداشتن در مسائل دینی، برجسته‌سازی بعضی از اعمال مانند نمازه و روزه و صداقت، القا نشدن درست آموزه‌های دینی به فرد، ضعف آموزش مدرسه در تعلیم دینی، خشک بودن معلمان دینی، تبلیغ بد و زدگی از دین، زیاده‌روی در دین و ترس القا شدن، منفعت‌طلبی مبلغین، دادن اطلاعات غلط، نپذیرفتن تعریف واحد اسلام از خدا، پذیرش دین از روی ترس و اجبار، نبود آگاهی دینی، وجود اغراق دینی، معنا نداشتن خدا برای فرد، داشتن شک و شبهه در معاد و نبوت، اعتقاد کامل نبودن دین اسلام، پیچیدگی دین اسلام، دست و پا گیر شدن دین اسلام
	آزادی در خانواده سخت‌گیری در خانواده طردهای آسیب‌زا	عدم اجبار به دین‌آوری، هم سنخ نبودن اعتقادی یک خانواده، تفاوت عقیده در خانواده، تاکید نداشتن خانواده بر امورات دینی فرد، تربیت ناصحیح دینی فرد، تناسب‌سازی با اخلاق فرهنگی خانواده، آزادی عقاید در خانواده، طرد اجتماعی دیندار، اجبار در عقاید و در صورت انجام ندادن طرد شدن از خانواده، هم سنخ بودن اعتقادات غیر دینی والدین و فرد
فردیت گزینشگر	گزینش‌گری مناسک	گزینش بر اساس منفعت، تاکید بر نماز تا دیگر مناسک، پذیرفتن فقط نماز و روزه، به جای آوردن بعضی از مناسک، ادای اعتقادات در فصل‌های مختلف مانند رمضان، محرم، یاری کردن فرد نه پرداخت خمس و زکات که به بقیه بدن، خرافه دانستن نذر، نماز، روزه، امام زمان، خواندن نماز با لاک، انجام مناسک همانند حج و نماز از روی ظاهر، بد اموختن دین و قبول به تغییر دین، عدم اعتقاد به اینکه نماز قرار نیست با ناخن کاشته و لاک زده قبول نباشد
	شخصی بودن اعتقادات	اعتقادات شخصی، پابندی خانواده به اعتقادات و منحصر شدن اعتقادات فردی، عدم قضاوت افراد بر اساس اعتقادات، خود مختاری نسبت به دین، دنبال روی فرد در مورد اعتقادات، عدم قضاوت افراد بر اساس مشاهدات، متکی بودن به فرد نه به امورات دینی
	تنوع اعتقادات	وجود اعتقادات متنوع، وجود اختلافات اعتقادی افراد، منحصر به فرد بودن اعتقادات، وجود اعتقادات گه‌گذاری، اعمال مناسک مربوط به شخصیت هر فرد، آرامش ندادن نماز، روزه گرفتن به دلیل همدلی نه اعتقادی، پذیرش تعاریف متعدد از خدا، عدم درجه‌بندی انسان‌ها بر اساس بعضی از اعمال

ادامه جدول ۲

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
داوری‌های دین‌گريزانه	عقلانیت اثباتی خرافات دینی آسیب‌پذیری اعتقادات	اتکا به عقل برای قبول مسائل دینی، وجود نکات منفی در دین و شک در آن، پیروی نکردن از اصولی که منطقی و عقلانی نیست، رد کردن مسائلی که با عقل فرد منطبق نیست مانند نذر، خرافه دانستن بعضی از اعتقادات، دیدگاه طبیعت‌گرایانه به دین، شهود برای همه، خدا در تجربیات شخصی، تعریف متفاوت از خدا نسبت به شخصیت هر فرد، نپذیرفتن دنیای دیگر از منظر دین اسلام، تقلید کننده نبودن و اجرای مناسک منوط به کسب دانش، انجام مناسکی که از لحاظ علمی ثابت شده، آسیب‌پذیر بودن بعضی از اعتقادات به زندگی
	ریاکاری ظاهرگرایی دینی اخلاق‌گريزی اجتماعی دینداران	عدم تطابق عمل و اعتقادات دیگران مانند نماز خواندن و ظلم به یتیم، وجود افراد اسلام نما و تضعیف دین به واسطه آن‌ها، به جا آوردن اعمال توسط بعضی از افراد از روی ریا، خودنمایی دینی، تناقضات عملی سیاست‌گذاران با دین، دوگانگی حرف و عمل عاملان نظام، قبول داشتن بعضی از مسائل دینی ولی عمل نکردن به آن، ظاهرسازی دینی و خراب کردن باطن دین، پنهان کاری پشت نقاب دین برای گرفتن مقام و پست، منحرف کردن توسط افرادی که سودشون در اونه، نفع بردن از دوگانگی‌های جامعه، دل پاک بودن و اعتقاد داشتن ولی پایبند نبودن به آن مانند اعتقاد به حجاب ولی پایبند نبودن
بازاندیشی معنویت‌گرا	دین اختیاری دین غیرسیاسی	دینی که در اصول و مسائل آن اجبار نباشد، دینی که از طرف حکومت، دولت، مردم تحمیل بشه ارزش پرستیدن و ارزش اجرایی شدن ندارد، سخت‌گیری خدا، نبودن الزام‌های سخت، دینی مطلوب است که از سمت جامعه در آن اجبار نباشد، اسلام دین اجباری قلمداد شدن
	ذات‌گرایی	اعتقاد به خداوند عدم اعتقاد به نبوت و معاد، تلاش برای نگه داشتن فقط اعتقاد به خدا، اعتقاد منحصر به حق‌الناس
	چند بعدی بودن دین به روز بودن دین نگاه نو دینی	دین مطلوب دینی است که همه ابعاد زندگی آدم را در بر بگیرد، عاطفی، اجتماعی، خانوادگی، فردی، معنوی، دین تعادل محور- هر جا به نفعش باشه فتوا صادر کنه و هر جا به ضررشه منع کنه، اعتقاد به روح و کیهان- همه چی از انرژی میاد، تغییر دیدگاه آدم‌ها در طی زمان، دینی که برای هزاران سال پیش نباشد، کامل نبودن دین اسلام برای مردم امروز، دین از سیاست جدا بودن، بها دادن دین به فردیت، درک تفاوت آدم‌ها و عدم یکسان‌سازی، به روز بودن و عقاید برای چند هزار سال قبل است باید متناسب با همین دوره باشد.

ادامه جدول ۲

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم
	تاکید بر اخلاق اجتماعی رویکرد انسان‌گرایانه	آدم خوب آدمی است که آسیب‌زا نباشد نه آنکه حتماً اعتقادات دینی داشته باشد، پذیرش آنچه که اخلاقی است، عمل و رفتار متکی بر آنچه که فرد درست می‌داند، دین مطلوب انسان محور و اخلاق محور را ترویج کند، ملاک رفتار درست بودن است، دینی که به انسان کمک کند تا بهترین نسخه خود را بسازد، دین مطلوب نسبت به جایگاه و زمان فرق دار در کل دینی که ظلم نکنی، بالاتر ندین روحانیون، دینی مطلوب است که صلح و خوبی ایجاد کنه و رفتارهایی به وجود بیاره که صمیمیت بیشتر بشه، انجام کارهای خوب و با نیت، گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک، هویت‌سازی دینی توسط خود آدم، آدم خوب آدمی است که آسیب‌زا نباشد نه آنکه حتماً اعتقادات دینی داشته باشد.

شناخت عادت‌واره‌ای

شناخت عادت‌واره‌ای به معنای فقدان درک و شناخت اصولی از دین اسلام است، به طوری که در مواجهه با رویه‌ها و سوالات جدید، نشان می‌دهد که در واقع جامعه‌پذیری دینی مشارکت‌کنندگان ضعیف است و آن‌ها به صورت استدلالی به فهم و پذیرش دین نرسیده‌اند. از نظر آن‌ها چنین جامعه‌پذیری نمی‌تواند در شرایط فعلی جوابگو باشد. مشارکت‌کننده نتوانسته به خوبی از اعتقادات دینی بهره‌برد به بیانی دیگر دین به خوبی به او نرسیده است. بنا به دلایلی همچون عدم تبلیغ صحیح دین، عدم اعتقاد و اعتماد به مبلغین دینی، جستجو نداشتن افراد در پیرو مسائل دینی، حل نشدن شک و شبهات دینی، کافی نبودن ارتباط شخصی فرد با دین و ... در نتیجه این نارسایی دینی نسل جوان به دین کم توجه و در بعضی از مناسک و اعتقادات خود به شیوه عادت عمل می‌کنند. فقدان یا کم‌شناختی نسبت به مقوله دین و نداشتن رویکرد مثبت نسبت به مبلغان دینی، باعث شده که فرد از مرجع معتبری مفاهیم دینی را دریافت نکند و در نتیجه کم‌شناختی نسبت به دین ادامه پیدا می‌کند. این امر باعث شده که مهم‌ترین مفاهیم الهی و قدسی در نظر بعضی مشارکت‌کنندگان منفی جلوه داده شود که بیشتر از همه به الگوهای تبلیغی نادرست مربوط می‌شود. لذا مشارکت‌کنندگان بر این نظرند که دینداری در سطح جامعه و در خانواده، یک رویه عادت‌ی دارد، تا استدلالی.

شرکت‌کننده شماره ۱۴: از اونجایی که من مطالعه خیلی عمیقی راجع به اصل دین اسلام ندارم و هر چیزی که می‌دونم و دیدم و شنیدم از مبلغان حال حاضر کشور هستند که من نسبت بهشون دیدگاه مثبتی فعلاً ندارم، یک دیدگاه پنجاه، پنجاه دارم.

مشارکت کننده شماره ۷: احساس می‌کنم برخی مفاهیم دینی، به جای افزایش اشتیاق، ترس بیشتری ایجاد کردن. بیشتر به موضوعاتی مانند آتش جهنم و گناهان نابخشودنی پرداخته شده و این باعث می‌شود برخی افراد نسبت به خداوند و آموزه‌های دینی بدبین بشن، زیرا نحوه انتقال این مفاهیم تاثیر منفی دارد.

اگر چه افراد از طریق مدرسه، فضای مجازی، دوستان و خانواده جامعه‌پذیر می‌شوند، اما در امر جامعه‌پذیری افراد، خانواده به عنوان نخستین نهاد نقش بسیار مهم و اولیه را ایفا می‌کند. از نظر مشارکت‌کنندگان، کارکرد خانواده در پذیرش همراه با استدلال فرزندان با ضعف رو به رو گشته و حتی خود والدین در امر دینداری دارای ضعف بوده و این ضعف نیز به فرزندان منتقل شده است. در این شرایط، قدرت جامعه‌پذیری دینی از نهاد خانواده به دیگر عرصه‌ها و از جمله گروه‌های دوستی، مدرسه و دانشگاه و بخصوص فضای مجازی واگذار می‌گردد. در حالی که بعضی مشارکت‌کنندگان از سخت‌گیری‌های خانوادگی می‌گفتند و برخی دیگر از رهایی و آزادی فرزندان در این امر سخت به میان می‌آوردند.

شرکت کننده شماره ۹: خانواده‌م مثل خودم به خدا اعتقاد دارند. به نبوت و این‌ها هم نمی‌دونم واقعاً چه جوریه. آزادی عقاید خیلی داریم تو خانواده‌مون. برای همین نمی‌دونم چه جوریه اونها خیلی گفت‌وگو نمی‌کنیم باهم. آزاد گذاشتیم از بچگی و مسیری که خودم می‌خواستیم رو رفتیم.

فردیت‌گزینشگر

در شرایطی که قدرت جامعه‌پذیری در عرصه دین از قلمرو نهاد خانواده خارج شده و بازیگران قدرتمند جدیدی در این زمینه وارد عرصه شده‌اند، در یک جامعه دینی، افراد تلاش می‌کنند تا به نوعی مفاهیم دینی را برای خود توجیه یا راه‌حلی برای مسئله دین خود پیدا کنند. این امر تحت فردگرایی شدید خانواده و نسل مورد مطالعه، او را به سمت گزینشگری سوق داده است. در واقع مشارکت‌کنندگان، رویکردی فردگرایانه در امورات مختلف و از جمله دین در پیش گرفته‌اند. در نبود روایتی مستدل برای پذیرش دین، مشارکت‌کنندگان برداشت‌های شخصی از دین دارند. آن‌ها بر این نظرند که اعتقادات افراد مختص به خود بوده و در بستر تنوع اعتقادات هرکسی حق آن دارد که آن‌گونه که خود می‌خواهد اعتقاد داشته باشد و این امر مسئله‌ای نیست که فرد دیگری بخواهد در آن دخالت داشته و اظهار نظر کند. لذا یا نسبت به امورات دینی بی‌اعتنا و یا برای تجربیات و اعتقادات افراد و اندیشه‌های دیگران ارزش و احترام قائل شده تا جایی که در برابر این اعتقادات احساس خطر و یا ضرری نکنند. گزینشگری دینی اشاره به این دارد که مشارکت‌کنندگان در بعضی از امورات دینی پذیرنده و در بعضی دیگر بی‌اعتقاد هستند و از انجام

آن سر بازمی‌زنند. مثلاً مناسکی همچون نماز و روزه را برجای نیاورده ولی در عزاداری‌ها شرکت می‌کنند و یا همین اعمال را گاهی به صورت فصلی به آن معتقدند. اصطلاحی است که در مصاحبه‌ها به آن رسیده شد دین فصلی می‌باشد که دین را به صورت فصل‌هایی از سال مثلاً ماه محرم و در ماه رمضان به آن مقید می‌شوند و بعضی از اعمال را انجام می‌دهند و همیشگی نیست.

مشارکت کننده شماره ۲: به نماز و روزه و این‌ها اعتقاد دارم ولی متأسفانه انجام نمیدم. کم و بیش به روزه شاید پایبند باشم اونم خیلی گه‌گذاری باشه، شاید فصلی. البته منظور از فصلی بودن اینه که خب توی ماه محرم خیلی پایبندم یعنی کل ماه محرم به روزه، به نماز یعنی پایبندم و انجام میدم. حتی عزاداری می‌کنم. مشکی پوشم این تایم رو کلاً. تایم‌های ماه رمضان هم همین‌طور ولی بقیه فصل‌های سال نه، خیلی کم.

شخصی بودن اعتقادات اشاره به این دارد که اعتقادات افراد به صورت یک امر خصوصی و شخصی می‌باشد و به عنوان اصلی از آزادی مذهبی و تفکرات مذهبی در نظر گرفته می‌شود. مشارکت‌کنندگان تأکید جدی بر شخصی بودن دینداری داشتند. آن‌ها بین اعتقادات خود با اعتقاداتی که خانواده و دوستان دارند تفکیک قائل می‌شوند و در پی، دنباله‌روی از دیگران نبوده و دیگران از روی اعتقادات او قضاوت نمی‌کنند و به نوعی برای فرد خود مختاری دینی قائل هستند.

مشارکت کننده ۱۷: من اعتقادات خودم رو دارم و کاملاً هم یک مساله شخصی هست کسی دیگه هم میتونه اعتقادات خودش رو داشته باشه توی پذیرش اعتقاداتم دنباله روی نکردم و خودم رفتم دنبالش.

افراد دارای این نگرش بوده که اعتقادات را منحصر به خود دانسته همانگونه که دیگران اعتقاداتشان را منحصر به خود آن‌ها می‌باشد و سپس به اعتقادات، ارزش‌ها، باورهای دیگران احترام می‌گذارند. در واقع نوعی تکثر و تنوع دینی را پذیرفته‌اند.

شرکت کننده شماره ۱۹: هر کسی محترمه تا جایی که به من تحمیل نشه. محترمند اصلاً هم این‌جوری نیستند که بگم اون‌ها عقلانی رفتار نمی‌کنند. عقلانی باور ندارند، اون‌ها هم محترمند، هر کسی عقاید خاص خودش رو داره.

داوری‌های دین‌گريزانه

داوری‌های دین‌گريزانه به بحث، جدل و استدلال‌هایی اشاره دارد که نسل دهه هشتادی برای گریزهای دینی خود به آن اشاره می‌کنند و یا به ارزش‌های اعتقادی دست می‌زنند که می‌توانند برای آن دلیل و برهان بیاورند. این امر از دو زیر مضمون اصلی معیار عقلانی برای امور دینی و

تناقض حرف و عمل بر ساخت شده است. در بحث فروع دین، مشارکت‌کنندگان معیار عقلانیت و تجربه‌گرایی را پیش می‌کشند. آن‌ها در توجیه احکام و قواعد دینی بر اساس عقل و منطق، مسائلی که دارای شک و شبهه باشد و یا از لحاظ منطقی توجیه نداشته باشد را نفی و انکار کرده، خرافات دانسته و به آن اعتقادی ندارند. این نفی اعتقادات ممکن است در افراد از اصلی‌ترین اصول دین یعنی توحید و نبوت و معاد و ... شروع شود و تا امورات مستحبی ادامه می‌یابد. لذا دین برای مشارکت‌کنندگان امری تقلیدی نیست بلکه استدلالی است و به دنبال معیارهای عقلانی خود برای پذیرش امورات معنوی می‌باشند. به همین جهت گاهی به اصولی پایبند می‌شوند که در تناقض واضح با اصول دین اسلام یوده و یا با نگرش و تفکرات رایج دینی در تعارض قرار می‌گیرد.

مشارکت‌کننده شماره ۱: *خانواده‌ام به دلیل عدم اعتقاد من به موضوعاتی مثل نذر و قربانی، با من دعوا می‌کنند. من فکر می‌کنم این سنت‌ها خرافاتی هستند و توجیه عقلانی نداره، به زندگی افراد آسیب می‌زنن.*

مشارکت‌کننده شماره ۹: *من به معاد و دنیای دیگر معتقد نیستم و بر این باورم که همه‌چیز در همین دنیا اتفاق می‌افته. ما با اعمال‌مان به طبیعت برمی‌گردیم و هیچ‌گاه از بین نمی‌ریم. کارهای خوب ما در جامعه ادامه داره و در آینده، ثمره اونو می‌بینیم.*

تناقض حرف و عمل در سیاست‌گذاران دینی و اجتماعی و حتی متدینین یکی دیگر از استدلال‌های مشارکت‌کنندگان در ضعف رویکرد به دین است. از نظر آن‌ها تجربه اجتماعی دین نشان داده که قادر به حل مسائل اجتماعی نیست. از سوی دیگر، ناکارآمدی به تلاقی دین با سیاست مربوط می‌شود و حضور افراد متدین در امورات سیاسی و اجتماعی، که گاهاً همراه با ناکارآمدی بوده است. مشارکت‌کنندگان نه فقط حضور اجتماعی دین را به نقد می‌کشند بلکه تناقضات حرف و عمل بعضی از متدینین در سطح فردی را نیز به نقد می‌کشیدند. در واقع ارزیابی آن‌ها این است که دین یک وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف در نزد بعضی متدینین شده است و این امر تأثیر منفی بر نگرش آن‌ها نسبت به دین اسلام و کارآمدی اجتماعی و حتی فردی آن شده است.

مشارکت‌کننده شماره ۹: *بعضی‌ها هم صرفاً دورویی‌شونه برای ریاکاری که به یه پست و مقامی برسند میرن نماز می‌خونند. پشت نقاب دین خودشون رو قایم می‌کنند که پست و مقام بگیرند.*

بازاندیشی معنویت‌گرا

بازاندیشی معنویت‌گرا به معنای آن است که مشارکت‌کنندگان در صورت کلی نوعی نگاه بازاندیشانه نسبت به دین دارند و مواردی را که در این بازاندیشی از طریق دین پاسخ نمی‌گیرند از طریق رویکردهای معنویت‌گرا دنبال می‌کنند. مشارکت‌کننده یکسری ملاک‌ها و معیارهایی برای دین در نظر می‌گیرد عدم اجبار در دین، تحریف دینی، به روزرسانی دینی و چند بعدی بودن دین. عدم اجبار در دین مضمون شناخته شده‌ای است که اشاره به آن دارد که در دین هیچ گونه اجباری نباشد و فرد اختیار تام در انجام و پیروی از امورات دینی داشته باشد لذا مصاحبه شوندگان دین اسلام را دینی قلمداد کردند که در آن اجبار است و سخت‌گیری خدا در آن مشهود بوده و تحمیل شده از سمت دولت و مبلغین می‌دانند در نتیجه در پی آن بوده که دینی را برگزینند که در آن اجبار نباشد.

شرکت‌کننده شماره ۱۳: اول از همه دین مطلوب اون دینی هست که انتخابی باشه، اجباری نباشه.. آدم وقتی به کاری رو با میل خودش انجام میده ارزش اون کار خیلی بیشتر میشه تا به اجبار انجام بده.

تحریف دین به معنای آن است که بعضی از مشارکت‌کنندگان یکسری از اصول و هنجارها و ارزش‌ها دینی را نمی‌پذیرند و یا دست به تغییر آن‌ها می‌زنند که با اصل دین در تناقض قرار می‌گیرد به عنوان نمونه در دین اسلام توحید را قبول داشته ولی بعضی منکر معاد و نبوت می‌باشد. یا بعضی از امورات دینی را خرافه تلقی می‌کند همانند نذر، نماز، روزه و ... یا برخی از اعتقادات دینی را که قبول ندارد ملاک را چیز دیگری قرار می‌دهد و خلاف آن عمل می‌کند؛ مانند نماز خواندن با ناخن کاشته شده در نتیجه این تحریف دین شکل می‌گیرد و فرد پذیرش آن را ندارد که در این زمینه تحریف در دین گشته است.

شرکت‌کننده شماره ۱۴: شاید این موضوع برای همه مطرح باشه که مثلاً کسی که کاشت ناخن داره یا لاک روی ناخنش مثلاً نمی‌تونه نماز بخونه. من خودم با این که خیلی آدم مذهبی نیستم و حالا به مسائل اون پوشش سفت و سختی هم که مثلاً بهش تأکید میشه پایبند نیستم همون‌گه گذاری هم که نماز می‌خونم با کاشت ناخن بوده و اصلاً و ابداً به این موضوع اعتقادی ندارم که نماز من قرار نیست قبول باشه.

به روزرسانی دینی و چند بعدی بودن دیگر مضمون شناسایی شده باز اندیشی دینی می‌باشد. نسل جوان از دین و دینداران انتظار دارند که مسائل دینی نباید مربوط به هزاران نسل قبل باشد که کفاف همان دوران را داشته بلکه باید به روز بوده و مسائل حال را نیز در نظر بگیرد و فقط یک بعد را پوشش نداده بلکه تمامی ابعاد زندگی انسان را در نظر بگیرد. همچنین، باید

تبادل محور باشد و نباید افرادی برای منفعت دینی خود سود بجویند. این طرز تفکر و بازنگری دینی از عوامل مختلفی نشات می‌گیرد.

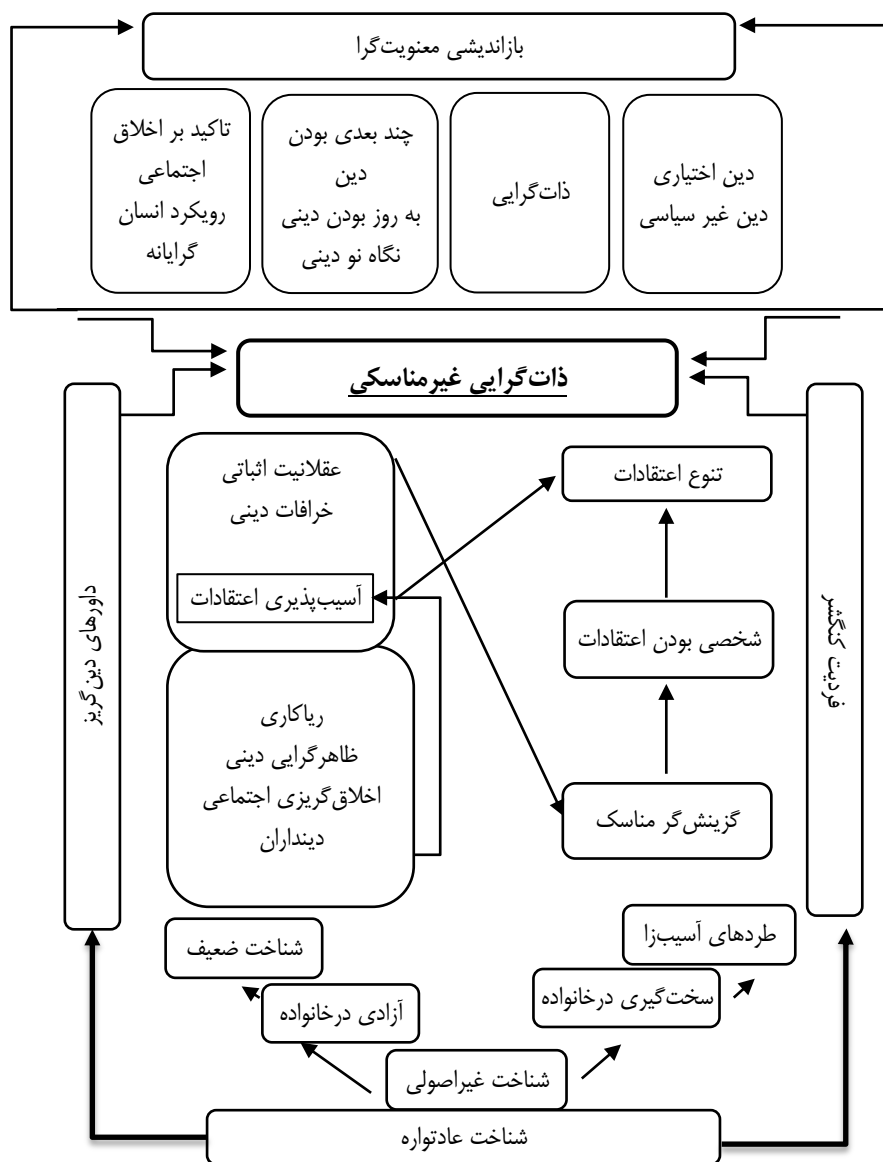
مشارکت‌کننده شماره ۱۳: اینکه خب طبق اون تعریفی که اول کردم دینی که همه جانبه بررسی می‌کنه ابعاد زندگی آدم‌ها رو و فقط به یک بعد توجه نمی‌کنه. عاطفیه، خانوادگیه، اجتماعیه، فردیه، معنویه و همه ابعاد زندگی آدم‌ها رو در بر می‌گیره.

مشارکت‌کنندگان با رویکردی بازاندیشانه، به دنبال پاسخ به نیازهای دینی خود هستند و برخی از آن‌ها دین را مطلوب و ایده‌آل نمی‌دانند. این افراد در جستجوی ساختن دین ایده‌آل خود، انسانیت و اخلاقیات را به عنوان ویژگی‌های اصلی آن مطرح می‌کنند. دینداری آن‌ها شامل کشف ارزش‌های معنوی جدید و پایبندی به ارزش‌های موجود، بدون پذیرش دیگر ارزش‌ها است. انسانیت، به عنوان زیرمقوله‌ای از بدیل‌سازی معنوی، بر تقویت روابط انسانی، عدالت، احترام و همدلی تأکید دارد و به کمک به دیگران برای رشد معنوی و فرهنگی می‌پردازد. این افراد تعالی انسانیت را مهم‌تر از تأکید بر عبادات مانند نماز، روزه و خمس می‌دانند. همچنین، اخلاقیات که بخشی از انسانیت است، به عنوان معیار اصلی دین مطلوب در نظر گرفته می‌شود و عمل به اصول اخلاقی برای آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.

مشارکت‌کننده شماره ۲: دین مطلوب به نظر چیزی که بر، دینی که انسانیت‌محور باشه و اخلاق‌محور باشه دین کاملیه. حالا اگه آدم مثلاً آدمی باشه که حتی به دین اسلام اعتقاد نداشته باشه یا به نوعی کمونیست باشه یا حتی به هیچ دینی معتقد نباشه، همین که بر مبانی محور خطی انسان بودن و اخلاق‌مدار بودن رفتار بکنه یعنی، آسیب‌زا نباشه برای آدم‌های اطراف خودش، آدم خوبیه. همیشه بر اساس دین یا سبک پوشش یا عقاید، آدم‌ها رو خط‌کشی کردو بخواد آدم بخواد قضاوت‌شون بکنه. همین که رفتار درست رو انجام میدن، به نظرم خوب می‌تونه باشه.

نقشه مضمونی

با نگاهی به یافته‌ها درمی‌یابیم که بیشتر مشارکت‌کنندگان به بنیادهای اعتقادی دینی باور دارند. مشارکت‌کنندگان مواردی که جزء اصول دین هستند را باور دارند، با وجود این کمتر رویکرد مناسب‌گرایانه دارند. از این جهت، مضمون هسته این تحقیق ذات‌گرایی غیرمناسکی نامیده می‌شود. بدین معنا که به ذات دین و عناصر بنیادین آن اعتقاد و باور هست، اما در تعلق به مناسب و رفتارهای دینی و در سطحی کلی‌تر حضور دینی، باورها شکل حداقلی دارد. مشارکت‌کنندگان انجام مناسب دینی را بر اساس تجربه و قضاوت خود انجام می‌دهند و بر این باورند که دین بسط اجتماعی گسترده‌ای یافته که بایستی محدود شود به امور و سطوح فردی.



شکل ۱. نقشه مضمونی نسل زد از درک و تجربه دینی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، واکاوی درک و تجربه دینداری دانشجویان نسل زد در دانشگاه یزد است. با تحلیل داده‌ها ۵ مضمون اصلی شناخت عادتواره‌ای، فردیت‌گزینشگر، داورهای دین‌گرایانه، بازاندیشی معنویت‌گرا احصا شد. شناخت عادتواره‌ای از دین به معنای انتقال دین به‌عنوان یک

عادت از نسل‌های پیشین به نسل‌های جدید است، بدون تامل و انتخاب آگاهانه. این موضوع به درک ناقص از دین اسلام و تضعیف جامعه‌پذیری دینی منجر شده است. جوانان به دلیل عدم تبلیغ صحیح و اعتماد به مبلغان، به طرز عادت‌وار عمل می‌کنند. نارسایی در انتقال مفاهیم دینی از خانواده و نهادهای اجتماعی مانند مدارس و فضای مجازی، موجب کاهش توجه به دین و ارتباط شخصی با آن شده است. به همین دلیل، برخی مفاهیم دینی به شکل منفی نمایش داده می‌شوند و دینداری بیشتر به عادت تبدیل می‌شود. ضعف خانواده‌ها در تربیت دینی نیز مسئولیت جامعه‌پذیری را به نهادهای دیگر سپرده و این نهادها قادر به پاسخگویی نیازهای جامعه نبوده‌اند. پژوهش حاضر به مضمون «فردیت کنشگر» در زمینه دین‌داری اشاره دارد، که نشان‌دهنده انتقال اجتماع‌پذیری دینی از خانواده به بازیگران جدید است. در این فرآیند، افراد دین را بر مبنای برداشت‌های شخصی خود تفسیر می‌کنند و انتخاب‌گری دینی افزایش یافته است. شرکت‌کنندگان در پژوهش، اعتقادات را امری فردی می‌دانند و تنها آن بخش‌هایی از دین را می‌پذیرند که با افکارشان همخوانی دارد. آن‌ها مادامی که خطری را متوجه خود ندانند نسبت به مسائل دینی بی‌اعتنا هستند یا نسبت به اعتقادات دیگران احترام قائل می‌شوند. این گروه گاهی در مراسم دینی نظیر عزاداری‌ها شرکت می‌کنند، اما ممکن است اعمالی چون نماز و روزه را به صورت محدود و دوره‌ای انجام دهند، مفهومی که به «دین فصلی» تعبیر می‌شود. داوری‌های دین‌گریز مضمون شناخته شده سوم می‌باشد نسل دهه هشتادی با داوری‌های دین‌گریز به نقد دین می‌پردازد، و اعتقادات دینی را بر اساس عقل و تجربه مورد سنجش قرار می‌دهد. این نسل به اصولی مانند توحید و نبوت شک دارد و معتقدند دین را باید استدلالی در نظر گرفت، نه تقلیدی. همچنین، به تناقض‌ها در سخنان و اعمال متدینان و سیاست‌گذاران انتقاد می‌کند و دین را در حل مشکلات اجتماعی و سیاسی ناتوان می‌بیند. بهره‌برداری ابزاری از دین برای اهداف شخصی توسط برخی متدینان، نگرش آن‌ها نسبت به کارآمدی دین اسلام را منفی کرده است. همچنین بهره‌برداری ابزاری از دین برای اهداف شخصی توسط برخی متدینان، نگرش آن‌ها نسبت به کارآمدی دین اسلام را منفی کرده است. مضمون نهمایی بازنایشی معنویت، جستجوی گزینه‌های غیررسمی و شخصی‌تر برای پاسخ به نیازهای معنوی است. این رویکرد بر اجتناب از اجبار در دین و به‌روزرسانی آموزه‌ها تأکید دارد. بسیاری از افراد به دلیل سخت‌گیری‌های اجتماعی، دین اسلام را غیرقابل قبول می‌دانند و به دنبال دینی اختیاری‌اند. آنها ممکن است به معاد و نبوت اعتقادی نداشته و برخی اعمال دینی را خرافه تلقی کنند. نسل جوان انتظار دارد دین با نیازهای معاصر همخوانی داشته باشد و بر اصول اخلاقی و انسانیت تأکید کند. ارزش‌های معنوی جدید، روابط انسانی، عدالت و همدلی به‌عنوان معیارهای دین مطلوب شناخته می‌شوند و تمرکز بر اخلاق و انسانیت، رشد معنوی را تسهیل می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش تصدی (۱۴۰۰) همسو بوده است در این پژوهش اشاره شده است که تحولاتی مبتنی بر این است که اکثریت مصاحبه‌شوندگان، از فرهنگ دینی و از دین‌داری خانواده‌ی خاستگاه اصلی به نحو قابل توجهی دور شده‌اند و الگوی مسلط دین‌داری در میان جوانان تحت بررسی، دین‌داری از نوع عاطفی است. این امر حکایت از تحولات مبتنی با محوریت تجربه‌های زیسته و نظام‌های شناختی مشارکت‌کنندگان این پژوهش که از دین‌داری رسمی درون جامعه که همان شریعت‌مدارانه است و از برآیند الگوی دین‌داری حوزوی فقه شیعی نقش اساسی و شکل بنیادین می‌گیرد، نه تنها به نحو اساسی فاصله دارند بلکه ضمن پس زدن آن، منتقد آن نیز هستند. که در پژوهش حاضر مضمون‌های اصلی بازان‌دیشی معنویت‌گرا که زیرمضامین توجه به انسانیت و اخلاق است استخراج شده که گویای توجه افراد به برجسته سازی محوریت‌های دیگر می‌باشد و از سویی دیگر مضمون داورهای دین‌گریز که به انتقاد دینی پرداخته و ملاک پذیرش را منطق و عقل عنوان کرده‌اند؛ در همسو بودن با پژوهش تصدی و همکاران است. پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۹) روایت‌های دانشجویان از زندگی دینی خویش را نشان می‌دهد که تحت تأثیر تغییراتی فردی و محیطی قرار گرفته‌اند و در نهایت دین‌داری خود را مورد بازان‌دیشی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز از بازان‌دیشی دانشجویان نسل زد حکایت دارد که دین را به مثابه پذیرش نسل‌های قبلی مورد تایید قرار نداده بلکه با یک تفکر و نگرشی متفاوت به دین نگاه می‌کنند. پژوهش امیری و اصغرپور ماسوله (۱۳۹۵) به مقوله هسته دین‌داری گزینشی اشاره دارد. به این معنا که افراد در هر موقعیتی که قرار می‌گیرند و با توجه به شرایط موجود ممکن است از قسمتی از دین که با آن موافق هستند، پیروی کنند و بخش‌هایی از دین را که به اصطلاح مانع رسیدن آن‌ها به منافعشان می‌شوند را کنار می‌گذارند. که در یافته‌های این پژوهش نیز مشهود بوده است. پژوهش پولک^۱ و اسزرومک^۲ (۲۰۲۳) نیز اشاره به تغییرات اعتقادی در نسل زد اشاره دارد که در آینده پیروان کاتولیک در لهستان کاهش خواهد یافت. پژوهش حاضر نیز بیانگر تغییرات نگرشی این نسل است که از این حیث با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت دارد. کوندرا^۳ و جرکوا^۴ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به تعارض بین تعالیم اعتراف‌نامه‌های رسمی و نهادهای مذهبی که بیشتر جوانان اسلواکی ادعا می‌کنند اشاره دارند که ویژگی‌های واقعیت دینی و باورهای آنان تایید می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز تناقض حرف و عمل شناسایی شده گویای همین یافته می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر به لحاظ نظری با رویکردهای نظری دنیوی شدن تناسب دارد. با وجود این، با آن وجه از دنیوی شدن که به حذف کامل دین از جامعه می‌پردازد، فاصله دارد. از

1. Polok
2. Szromek
3. Kondrła
4. Durkova

یک سو بایستی گفت که دین اگر چه در جامعه سنتی مبنایی برای تولید اخلاق اجتماعی است آن‌طور که دورکیم می‌گوید، اما تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان علاوه بر داشتن این انتظار که دین بایستی مولد اخلاق اجتماعی باشد، از سوی دیگر با نگاهی عملکردگرایانه در پی قضاوت و داوری رفتار متدینین بر اساس اخلاق دینی هستند. در واقع، اینکه گزاره‌های دینی مولد اخلاق اجتماعی است، درست است، اما مهمتر این است که پیروان و متدینین در عمل تا چه اندازه به معیارهای دینی پایبند هستند. از آن‌جایی که داوری و قضاوت در این زمینه سخت و پیچیده می‌شود و مهمتر آن که ممکن است بعضی از متدینین پایبندی نداشته باشند، مشارکت‌کنندگان با ساده‌سازی موضوع، به نفع جدایی دین از عرصه اجتماعی نظر می‌دهند. در همین زمینه بایستی گفت که اگر چه ادیان در گذشته تولیدکننده و مرجع اخلاق اجتماع بوده‌اند، اما نسل‌های جدید به این فهم رسیده‌اند که جامعه خود می‌تواند در رابطه با اخلاق اجتماعی به اشتراک نظر برسد.

از سوی دیگر، همان‌طور که تایلور (۱۳۸۹) مطرح کرده است، ادیان به سمت خصوصی شدن میل پیدا کرده‌اند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان نسل زد حاضر، با توجه به چالش‌هایی که در عرصه تجربه اجتماعی دین دیده‌اند، تمایل به دین خصوصی پیدا کرده‌اند. در واقع، از نظر آن‌ها دین و دینداری یک تجربه و امر خصوصی است که مبتنی بر درک، تجربه و پدیدار شدن یک وجه عاطفی یا وجودی است که نمی‌توان با عوالم اجتماعی پیوند داد. این امر، مشارکت‌کنندگان در برزخی بین دین و معنویت رها کرده که قادر به تشخیص دقیق آن نیستند. بعضی از گزاره‌های معنویت‌گرایی را پذیرفته و آن را در قالب دین معنا می‌کنند و یا اینکه بعضی گزاره‌های دینی را در قالب معنویت معنا می‌کنند. بنابراین، بدیل‌سازی معنی به معنا نوعی جایگزینی گزاره‌های دین و معنویت به جای یکدیگر و یا التقاط آن‌ها با هم است تا به یک تعریف جدید از دین و معنویت برسند. از سوی دیگر، بازاندیشی معنویت‌گرا از سوی دیگر موید نظریه گسکینز و همکاران (۲۰۱۳) است که بر تفوق کالاهای سکولار بر کالاهای دینی تأکید دارند. بدین معنا که مشارکت‌کنندگان تلاش می‌کنند، تعریفی از دین را ارائه دهند که بتواند به نیازهای فردی و اجتماعی آن‌ها پاسخ دهد. در واقع در مواجهه با کالاهای وسیع و متعدد سکولار، مشارکت‌کنندگان تلاش می‌کنند، دینی را دنبال کنند که مانع استفاده از این پهنه وسیع از کالاهای سکولار نباشد. به همین جهت، یک دین متکثر و غیردستوری و آن‌چه که در عرف جامعه ایران به آن «دین صورتی» گفته می‌شود، مورد نظر مشارکت‌کنندگان است. اگر چه مضمون دین صورتی در جامعه ایران عموماً بر رفتار خارج از مرزهای دینی بعضی از متدینین تمرکز دارد، اما بسیار شبیه همان چیزی است که مشارکت‌کنندگان حاضر آن را بر ساخت می‌کنند. در واقع دینی که اهل تساهل و تسامح باشد و در رفتار فردی و اجتماعی به صورت باری به هر جهتی کنشگر را مدیریت کند.

به نظر می‌رسد که این شکل از دینداری کارکردی در حد پاسخ‌گویی به نیازهای وجود دارد. به هر جهت عموم انسان‌ها نیازمند به مرجعی برای پاسخ به سوالاتی مبنایی راجع به مبداء و معادند. از این جهت مشارکت‌کنندگان در مبنای اصولی به خدا و سایر مفاهیم اصولی اعتقاد دارند. اما در مناسک دنبال یک دین خصوصی سهل هستند. دینی که پاسخگوی سوالات وجودی باشد ضمن اینکه در عرصه فردی و اجتماعی کاملاً فردی، گزینشگر و با کمترین جبریت باشد. روشن است که این برداشت با مفاهیم اصولی اسلام در تعارض است. اما به هر جهت، آنچه مشارکت‌کنندگان بر ساخت می‌کنند این است. نتایج تحقیق حاضر گویای تغییرات وسیع و گسترده در عمیق‌ترین لایه‌های شناختی راجع به دین، ماهیت آن و کارکردهای فردی و اجتماعی‌اش است. نسل زد مورد مطالعه با رویکردی کاملاً انتقادی در پی بازنویسی و بازاندیشی الگوهای جدیدی از دین است که در برخی از وجوه آن با ماهیت ادیان و بخصوص دین اسلام در تعارض است. از این جهت این مقاله می‌تواند مسیری برای مطالعات جدید در مورد چرایی این رخدادها بازگشایی کند. تحقیق حاضر شکلی از «دین عامیانه» را بر ساخت می‌کند که با قرائت‌های رسمی و حتی سنتی (نسل قبل) از دین در تعارض و تباین قرار دارد. از این جهت توجه بیشتر روی این موضوعات اهمیت بالایی دارد.

محدودیت: در این پژوهش از روش کیفی استفاده شده است که این امر، قابلیت تعمیم‌یافتگی یافته‌ها به کل جامعه را محدود می‌کند. یافته‌ها صرفاً به نمونه مورد مطالعه تعمیم‌پذیر هستند. همچنین، تمرکز این پژوهش بر نسل زد بوده و زمینه‌زدایی نشده است؛ به عبارت دیگر، هدف اصلی بررسی دیدگاه‌ها و تجارب اختصاصی این نسل در موضوع مورد پژوهش بوده است. لذا، تعمیم نتایج به دیگر گروه‌های سنی یا نسل‌ها با احتیاط همراه خواهد بود. لازم به ذکر است که روش‌های کیفی به طور ذاتی در اندازه‌گیری دقیق تأثیر متغیرها و یا تفکیک ریز بین پدیده‌ها محدودیت دارند. بنابراین، ارائه اعداد و ارقام دقیق در مورد میزان تأثیر یا تمایز بین عوامل مختلف در این پژوهش میسر نبوده است.

تعیین سهم نویسندگان در مقاله: تمام نویسندگان در نوشتن دخیل بوده‌اند.

اعلام تعهد و افشا تعارض منافع: نویسندگان تعارض منافع ندارند.

منابع

امیری، س و اصغری‌پور ماسوله، ا.، (۱۳۹۵)، ظهور دین‌داری گزینشی در میان دختران جوان شهر مشهد: اراییه یک نظریه زمینه‌ای. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۳(۲)، ۱-۲۲.
doi: 10.22067/jss.v13i2.32095

امینی، ا، تاج‌الدین، م و نجاتی حسینی، س م، (۱۳۹۹)، پدیده نوگروری دینی: تجربه زیسته دانشجویان دانشگاه تهران. **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، ۷(۱۵)، ۱۴۹-۱۷۵. doi: 10.22080/ssi.2020.18160.1720.۱۷۵-۱۴۹

بابائی، ا، زاهدی مازندرانی، محمد ج و ملکی، ا، (۱۴۰۲)، مطالعه کیفی دینداری طبقه متوسط جدید به شیوه نظریه داده بنیاد. **جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، ۱۰(۲۱)، ۱۷۹-۲۰۸. doi: 10.22080/ssi.2023.25224.2094

پارساکیا ک، رستمی م، دربانی س ع، سعادت ن، نوابی نژاد ش، (۱۴۰۲)، تبیین مفهوم انفصال نسلی در مطالعه نسل زد، **مطالعات روانشناختی نوجوان و جوان**، ۴(۲): ۱۸۱-۱۷۴.

پرور، م و موحد، م، (۱۴۰۱)، بر ساخت اعتقادی تعدیل‌پذیر (مضمون دینداری دانشجویان شیعه در دانشگاه شیراز). **مجله جامعه‌شناسی ایران**، ۲۳(۲)، ۱۲۲-۱۴۰. doi: 10.22034/jsi.2023.110135.1278.۱۴۰-۱۲۲

تصدی‌کاری، علی، محدثی گیلوئی، حسن و معدنی، سعید، (۱۴۰۰)، الگوهای تحول دین‌داری در بین جوانان در شهر رشت. **توسعه اجتماعی**، ۱۵(۴)، ۱۱۵-۱۴۸. doi: 10.22055/qjsd.2021.17079.۱۴۸-۱۱۵

حسن‌پور، آ و معمار، ث، (۱۳۹۴)، مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تاکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۸(۳) (پیاپی ۳۱)، ۹۹-۱۳۱.

خلیلی پالندی، ف، کردنائیج، ا، خداداد حسینی، س ح و شیرخدايي، م، (۱۴۰۰)، مفهوم‌پردازی افت خرید نسل زد از دیدگاه نظریه ساخت‌گرایی. **تحقیقات بازاریابی نوین**، ۱۱(۴)، ۲۱-۳۴. doi: 10.22108/nmrj.2021.128873.2455

رحیمی، م، حضرتی صومعه، ز. و عزیزخانی ا، (۱۳۹۵)، سنجش میزان برخورداری دانشجویان از شاخص‌های دینداری و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران). **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان**، ۶(۲۱)، ۹۹-۱۱۸.

شجاعی‌زند، ع و حسن‌پور، آ، (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی دینداری جوانان شهر اصفهان. **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲۵(۴)، ۱۷-۳۹.

شجاعی‌زند، ع، (۱۳۸۲)، مدل برای سنجش دینداری در ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم. عابدی جعفری، ح، تسلیمی، م، فقیهی، ا، و شیخ‌زاده، م، (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. **اندیشه مدیریت راهبردی** (اندیشه مدیریت)، ۵(۲) (پیاپی ۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

عالم‌زاده، م. و رستگاری، ث، (۱۳۹۳)، دین‌داری جوانان، ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران). **مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)**، ۲۱(۲)، ۱۵۹-۱۸۸. doi: 10.22059/jsr.2014.56309.۱۸۸-۱۵۹

عدلی‌پور، بهجت یزدخواستی، ب. و خاکسار، ف. (۱۳۹۲) شبکه اجتماعی فیس بوک و شکل‌گیری هویت بازاندیشانه، در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، **فصلنامه پژوهش ارتباطی**، سال بیستم، ش ۳ (پیاپی ۷۵)، ص ۱۰۱-۱۲۸.

مبارک، س، حضرتی صومعه، ز، ساروخانی، ب، (۱۳۹۹)، مطالعه کیفی انتقال فرهنگ دینی از طریق خانواده به فرزندان دهه ۸۰-۶۰. *تغییرات اجتماعی فرهنگی*، (۱۷(۶۶)، ۱۱۵-۱۳۹.

مرادی، ر. و خانمحمدی، ا، (۱۳۹۹)، بررسی وضعیت دینداری جوانان شهر سرپل ذهاب و برخی عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی*، (۱)۳۱، ۱۰۹-۱۳۲. doi: 10.22108/jas.2019.111885.1432.

میرسندسی، محمد، (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دینداری*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

ناصری، م، کاوه، ف. و ربانی، ع، (۱۳۹۵)، مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، (۴)۲۷، ۷۹-۹۸. doi: 10.22108/jas.2017.21162Abramo, L. & M.E. Valenzuela, (2005).

Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development**, sage.

Chen, L., Zeng, S., & Tian, Z. (2023). Resonance or Alienation: An Empirical Study on the Influencing Factors of Religious Belief Choices among China's Generation Z. *Religions*, 14(9), 1161.

Clarke, V. & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming challenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.

Darren E. Sherkat, (2015). Religiosity. In **International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences** (Second Edition).

Dhima, K., & Golder, M. (2021). Secularization theory and religion. *Politics and Religion*, 14(1), 37-53.

Fansuri, S. T. I. T. H. (2022). Generation Z and the Search for Religious Knowledge on Social Media.

Gaskins, Ben, Matt Golder, and David A. Siegel. (2013). "Religious Participation and Economic Conservatism." *American Journal of Political Science*, 57: 823-840.

Goldman, D. S. (2018). **A Unified Psychological and Anthropological Model of Religion**.

Hermína, L. A.(2021). **How The Youth Around the World Preceive Sexuality and Religiosity A literature Study**.

Kondrla, P., & Ďurková, E. (2023). The Characteristics of the Religiosity of Youth in Slovakia Today. *Religions*, 14(11), 1433.

Polok, G., & Szromek, A. R. (2023). Religious and Moral Attitudes of Catholics from Generation Z. *Religions*, 15(1), 25.

Stolz, J. (2009). Explaining religiosity: towards a unified theoretical model 1. *The British journal of sociology*, 60(2), 345-376.

Tucket, Anthony ."Applying thematic analysis theory to practice: a researcher's". *Contemporary Nurse*19, no.1-2 (2005):75-87.

Whitehouse, H. (2004). Modes of religiosity: A cognitive theory of religious transmission. **Rowman Altamira**.